**فلسفه بزرگداشت اربعین حسینی (ع) چیست؟[[1]](#footnote-1)**

امام حسن عسکری(ع)فرمودند: «علامات المؤمن خمس: صلاة احدی و الخمسین و زیارة الاربعین والتختم فی الیمین و تعفیر الجبین والجهر ببسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم؛ نشانه‌های مؤمن و شیعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک و بلند گفتن «بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم». (تهذیب 6/52)

مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران‌کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به ویژه اقامه نماز شب در سحر که بسیار مفید است.

موارد دیگری نیز که در روایت یاد شده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیرشیعه است که یا بسم‌اللّه‌الرحمن‌الرحیم را نمی‌گویند یا آهسته تلفظ می‌کنند. هم‌چنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می‌داند.

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسئله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می‌دهد که مقصود امام عسکری(ع)اربعین معروف و معهود نزد مردم است. اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق این روایت در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان‌گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.

به دیگر سخن، بر اساس فرموده رسول خدا(ص)، عصاره رسالت نبوی، قرآن و عترت است؛ «انی تارک فیکم الثقلین کتاب‌اللّه و عترتی اهل بیتی». (بحارلانوار 89/13) عصاره کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری(ع)در کنار هم ذکر شده است؛ اما مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین، انسان را چگونه متدین می‌کنند؟

درباره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است. مثلاً فرموده: انسان، فطرتاً موحد است، ولی طبیعت او به هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین از خیر جلوگیری می‌کند، مگر انسان‌های نمازگزار،  که آنان می‌توانند این خوی سرکش طبیعت را تعدیل کنند و از هلوع، جزوع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت‌های خاص الهی باشند؛ «ان الانسان خلق هلوعاً \* اذا مسه الشر جزوعاً \* واذا مسه الخیر منوعاً\* الا المصلین». (معارج / 19-22)

زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هلوع و منوع بودن باز می‌دارد و گفته شد که هدف اساسی سالار شهیدان نیز تعلیم و تزکیه مردم بوده است و در این راه، هم از طریق بیان و بنان اقدام کرد و هم از راه بذل خون‌جگر که جمع میان این راه‌ها از ویژگی‌های ممتاز آن حضرت(ع)است.

خلاصه آن که، رسالت رسول اکرم(ص)تعلیم کتاب و حکمت از یک سو و تزکیه نفوس مردم از سوی دیگر بود تا هم جاهلان را عالم نماید و هم گمراهان را هدایت کند.

همین دو هدف، در متن زیارت اربعین سالار شهیدان(ع)تعبیه شد؛ چنان‌که منشأ ددمنشی منکران رسالت و دشمنان نبوت، حبّ دنیا و شیدایی زرق و برق آن بود و عامل مهم توحش منکران ولایت و دشمنان امامت نیز همان غطرسه دنیا و دلباختگی به آن بود، که در بخشی از زیارت اربعین به آن اشارت رفته است: «وتغطرس و تردی فی هواه».

زیارت مأثور در اربعین

**در روایت شیعه برای روز اربعین حسینی دستورهایی وجود دارد؛ مانند خواندن زیارت مخصوص آن روز در پیش از ظهر که پس از آن دو رکعت نماز نیز خوانده می‌شود و دعا در آن وقت مستجاب است.**

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین(ع)، همان هدف رسالت نبی اکرم(ص)دانسته شده است. بر اساس قرآن و نهج‌البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل نمودن آن‌ها با تهذیب نفس.

کسانی که علم ندارند، دستور خدا را نمی‌دانند و توان تربیت خود یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالمند، ولی در اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی‌کنند.

در قرآن‌کریم از زبان حضرت ابراهیم(ع)نقل شده که به خداوند عرض کرد: پیامبری مبعوث فرما که مردم را عالم و مهذب کند؛ «ربنا وابعث فیهم رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاتک و یعلمهم الکتاب والحکمة و یزکیهم». (بقره/129) خداوند دعای آن حضرت را اجابت کرد و در سوره «جمعه» فرمود: «هو الذی بعث فی الامیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین».

امیرمؤمنان(ع)در تشریح بعثت رسول‌اکرم(ص)فرمودند: «فهدیهم به من الضلالة وانقذهم بمکانه من الجهالة»؛ (نهج‌البلاغه، خ 1) یعنی خداوند به دست پیامبرش مردم را عالم و عادل کرد.

 امام حسین(ع)نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر(ص)است و صاحب ولایت؛ «حسین منی و انا من حسین»، (بحارالانوار 43/261) باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و دستورها و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را از اهل عمل کند.

همه اهل‌بیت(ع)این وظیفه را به عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفه خود عمل می‌کردند؛ ولی سیدالشهداء(ع)، افزون بر کارهای یاد شده، به سبب یأس از تأثیر اساسی این ابزار در شرایطی قرار گرفت که خون‌جگر خود را نیز برای نیل به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت(ع)بود که هم مبارزه فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی.

چنان‌که در زیارت اربعین آن حضرت می‌خوانیم: «فاعذر فی‌الدعا و منح النصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحیرةالضلالة»؛ یعنی آن حضرت(ع)با اتمام حجت بر خلق، هر عذری را از امّت رفع کرد و اندرز و نصیحت آنان را با مهربانی انجام داد و خون پاکش را در راه تو ـ ای خدا ـ نثار کرد تا بندگانت را از جهالت و حیرت و گمراهی نجات دهد.

 اِعذار و نُصح و بَذل خون آن حضرت(ع)، همگی برای عالِم و عادل کردن انسان‌هایی بود که در دریای هلاکت جهلِ علمی و فسادِ اخلاقی غوطه‌ور بودند؛ چنان‌که برخی از انبیای گذشته نیز صرف‌نظر از تبلیغ، تعلیم و تحقیق اجتهادی، به نبرد جهادی نیز مبادرت نمودند و شربت شهادت نوشیدند تا ددمنشی را به فرشته‌وشی و جاهلیت را به تمدن اسلامی بدل نمایند.[[2]](#footnote-2)

1. . <https://noo.rs/UBKxO> [↑](#footnote-ref-1)
2. . منبع: شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی [↑](#footnote-ref-2)